

بسم الله الرحمن الرحيم

# مدل تحلیلی تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی

دستاوردهای انقلاب اسلامی را می‌توان در قالب یک مدل تحلیلی متفاوت  
به چهار عنوان دسته‌بندی کرد:

۱- دستاوردهای زیربنایی

۲- دستاوردهای اساسی

۳- دستاوردهای داخلی

۴- دستاوردهای منطقه‌ای و بین‌المللی

آن چیزی که به نظر می‌آید مورد غفلت قرار گرفته و در آثاری که برای  
دستاوردهای انقلاب نوشته شده معمولاً کمتر مورد توجه بوده، مورد اول و دوم  
است که می‌توان تحت عنوان دستاوردهای زیربنایی و اساسی بیان کرد.

## الف) دستاوردهای زیربنایی

### ۱- تحول گفتمانی

مهمترین دستاورد زیربنایی انقلاب اسلامی تحول گفتمانی است. اگر به تاریخ ۲۰۰ سال اخیر در خاورمیانه و ایران توجه کنیم ما با پنج گفتمان روبرو هستیم:

#### ۱/۱- گفتمان دینی؛ گفتمان دینی و الهی که مرحوم سیدجمال، کواکبی،

محمدعبده در خاورمیانه و مصر، اقبال لاهوری در پاکستان و برخی دیگر از بزرگان منادی این اندیشه دینی بودند، در ایران پیشینه‌ای هزارساله دارد. از شیخ طوسی تا آیت الله بروجردی رضوان الله تعالی علیهم تا انقلاب اسلامی ایران، روحانیت و علمای بزرگ همواره پرچم دار گفتمان دینی بوده و مجاهدت‌های زیادی را در این راه داشته‌اند.

#### ۱/۲- گفتمان ملی‌گرایی؛ گفتمان دیگری که در سطح منطقه ما رایج

بود، گفتمان ملی‌گرایی و ناسیونالیستی بود که به شدت نظام سلطه آن را ترویج می‌کرد. ما در مصر نگرش ناسیونالیستی را شاهد بودیم که ناصر بیشترین تکیه را به ناسیونالیسم عرب داشتند. در ترکیه آتاتورک را شاهد بودیم و در ایران رضاخان پرچم‌دار ناسیونالیسم دولتی بود که توسط پسرش محمدرضا دنبال شد و یک ناسیونالیسم حزبی داشتیم که جبهه ملی و نهضت آزادی در ایران آن را دنبال می‌کردند.

#### ۱/۳- گفتمان مارکسیستی؛ گفتمان سومی که در منطقه شاهد آن بودیم

گفتمان مارکسیستی بود که از سال ۱۹۱۷ میلادی که انقلاب مارکسیستی شکل

گرفت، این حرکت در منطقه خاورمیانه یا غرب آسیا گسترش پیدا کرد و بسیاری از کشورها و حتی گروه‌های فلسطینی را در بر گرفت. این گروه‌ها می‌خواستند با تکیه بر اندیشه مارکسیستی و با پرچم کرملین به پیروزی برسند. ایران و عربستان هم تحت بیشترین فشارها بودند و دنبال این بودند که این اندیشه مادی‌گری را رسوخ دهند و برخی از جوان‌های ما متاسفانه در این دام افتادند. حزب توده، کیانوری، احسان طبری، آریان پور و این‌ها تقریباً تئورسین تفکر مارکسیستی در ایران بودند.

اگر به پیشینه کار نگاه کنیم. فلسفه ورود شهید مطهری و شهید مفتح به دانشگاه الهیات تقریباً برای مقابله با آریان پور و غیره بود که زندگینامه آنها را ببینید. می‌گویند درگیری‌های شدیدی در دانشگاه الهیات بین آقای مفتح و آریان پور و عناصر مارکسیست یا آقای مطهری با این‌ها به وقوع می‌پیوست و این نشان می‌دهد که روحانیت و شیعه همواره با اندیشه‌های انحرافی به مقابله می‌پرداختند. مرحوم شهید صدر در عراق پرچم دار مقابله با اندیشه مارکسیستی بود کتاب فلسفتنا و اقتصادنا، کتاب امروز نیست. کتاب آن روز است، یعنی مدرسه حقانی، کتاب فلسفتنا را به عنوان کتاب درسی انتخاب می‌کردند و بسیار هم در آن زمان لازم بود یا کتاب اقتصادنا که مرحوم شهید صدر نوشت دقیقاً مقابله با تفکر حزب بعث بود که ماهیت مارکسیستی داشت. حزب بعث سوریه هم همین‌طور بود. در ایران هم مرحوم علامه طباطبایی اصول فلسفه را نوشتند که دقیقاً برای مقابله با همین جریان بود. بعد هم مرحوم مطهری اصول فلسفه و روش رئالیسم را شرح کرد. این واقعیت‌های تاریخی مبین این امر است که روحانیت در طول تاریخ ۲۰۰ - ۱۰۰ سال

گذشته چه زحماتی را برای مقابله با اندیشه های انحرافی که در دنیای ما بروز و ظهور پیدا کرده متحمل شده‌اند.

۱/۴- **گفتمان لیبرالیستی؛** سومین جریان فکری گفتمان لیبرالیستی بود، یعنی جریان هایی که طرفدار حاکمیت فرهنگ غرب بودند، متأسفانه این جریان در ایران بیشتر فعال بود و چهره‌هایی همچون ناظم الدوله، آقاخان کرمانی، طالب اف، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا حسین خان سپهسالار، تقی زاده، میرزاملکم خان و آقاخان نوری تئورسین لیبرالیسم بودند. سخن تقی‌زاده این بود که باید از مغز سر تا نوک انگشتان غربی شویم تا به تمدن برسیم. جریان سکولاریستی ارمغان وارداتی از غرب، هم در ایران و هم در خاورمیانه مطرح شد. در موضوع جدایی دین از سیاست، بسیاری از اندیشمندان کتاب نوشتند و این را به عنوان یک راه حل برای جمع بین اسلام، حکومت و سیاست مطرح کردند.

### **نقش امام(ره) در مقابله با گفتمان‌های انحرافی**

آنچه که در ایران ظرف این ۱۰۰ سال اخیر رایج بود همین گفتمان‌های غیردینی بود. اگر چه در حوزه‌های علمیه و روحانیت در شبکه تبلیغات به شدت از گفتمان دینی حمایت و ترویج می کردند و همان باعث شد که مارکسیست و کمونیسم در ایران جایی را باز نکنند. آنها متوجه نبودند تشیع در ایران و روحانیت دو عاملی بودند که جلوگیری کردند از انقلاب مارکسیستی و تحولات کمونیستی در ایران. اما باید دید امام(ره) چه معجزه‌ای را انجام دادند.

محصول بزرگ حضرت امام این بود که با همه تلاشی که انجام دادند و جهادی که به عمل آوردند توانستند گفتمان دینی را بر همه گفتمان‌ها غالب کنند. یعنی این بزرگترین دستاورد این انقلاب بود. مارکس می‌گوید دین افیون ملت‌ها است. چطور و چه معجزه‌ای می‌خواهد که یک رجل الهی برخیزد و گفتمانی را مطرح کند که دیگر گفتمان‌ها را تحت الشعاع قرار داده و از دور خارج کند. با حاکمیت گفتمان دینی دیگر گفتمان‌ها رنگ باختند گفتمان‌های دیگر در زیر نورانیت گفتمان دینی حضرت امام از صحنه خارج شدند. گفتمان امام(ره)، گفتمان نبوی و علوی بود، یعنی آن چنان که امام(ره) دنبال آن بود احیاء گفتمان نبوی و علوی برای ساختن یک جامعه‌ایی مدرن، متمدن و مقابله با دو اندیشه کاپیتالیسم و سوسیالیزم بود.

## ۲- تحول در اندیشه و نگرش مردم

دومین دستاورد زیربنایی انقلاب اسلامی و امام(ره)، تحول در اندیشه و نگرش مردم بود. به تعبیر شهید مطهری انقلاب به معنای حقیقی کلمه، به تحول درونی معنا می‌شود، یعنی قرآن واژه انقلاب را در تحول درونی معنا می‌کند و نمونه‌هایی که شهید مطهری بیان می‌کند این است که می‌فرماید هنگامی که ساحرین فرعون با قدرت و اعتماد به نفس به صحنه آمدند و فرعون هم مدعی و مطمئن بود حتما پیروز می‌شوند. اما وقتی آنان با همه وجود حقیقت را یافتند گفتند (امنا برب العالمین رب موسی و هارون).

هارون تهدید کرد که بدون اجازه من این کار را کردید شماها را به شاخه‌های نخل آویزان می‌کنم آنها گفتند (انا الی ربنا منقلبون) مرحوم مطهری از این آیه

استفاده می کند که انقلاب در لسان قرآن به معنای تحول درونی و آن هم از نوع تکاملی آن، یعنی تحول در درون انسان به سمت ذات باری تعالی (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم).

البته قرآن در جاهایی دیگر به تعبیر مرحوم مطهری از همین واژه استفاده می کند. در مورد تحول قهقرایی هنگامی که در مورد پیامبر اعظم شایعه شد که ایشان کشته شد قرآن می فرماید: (أَفَانِ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلٰی أَعْقَابِكُمْ)؛ اگر پیامبر کشته شد یا مرد، شما به قهقرا بر میگردید و از همین واژه استفاده می کند، یعنی تحول اگر تکاملی باشد، یعنی الی الله باشد انقلاب تکاملی است و اگر الی الشیطان باشد انقلاب قهقرایی است و بازگشت به عقب خواهد بود.

### ۳- تحول اجتماعی و سیاسی

سومین دستاورد و تحول زیربنایی که ما در دستاورد انقلاب اسلامی و امام می توانیم نام ببریم، انقلاب سیستمی است، یعنی تحول اجتماعی. همان چیزی که عرب به آن می گوید ثوره، مرحوم مطهری می فرماید که اصطلاح قرآنی همان تحول درونی است ولی تحول درونی است که منتج می شود به تحول اجتماعی، تا مادامی که انسان متحول نشود تحول در نظام سیاسی به وجود نمی آید.

بنابراین گام اول، تحول در گفتن، عقیده و اعتقاد است. گام دوم، تحول همه جانبه در درون انسان ها و آمادگی برای شهادت و جهاد است. گام سوم، انقلاب سیاسی است، یعنی تحول اجتماعی و تغییر نظام و به تعبیر دیگر تحول اجتماعی یک فرآیندی دارد؛ اول فردسازی است. همه رهبران الهی این فرآیند را طی کردند. یعنی

پیامبر اعظم در مکه فردسازی کرد. حضرت امام(ره) از سال ۱۳۴۲ شروع به فردسازی کرد. رهبری بعد از مدتی افراد را کنار هم می‌چیند و تبدیل به یک ملت می‌کند. پیامبر اعظم در مدینه از افرادی که ساخته بود ملت اسلامی را تشکیل داد. وقتی ملت ساخته شد. آماده شد برای تحول اجتماعی رهبری دست به مرحله سوم می‌زند و آن تشکیل دولت است. وقتی دولت اسلامی مستقر شد همه ارکان نظام شکل گرفت و جامعه هویت پیدا کرد. مردم گرایش پیدا کردند. شهرها و جغرافیای اسلامی به هم اتصال پیدا کردند. زمینه شکل‌گیری امت اسلامی به وجود می‌آید. بنابراین یک فرآیندی است فردسازی، ملت‌سازی و دولت‌سازی که در نهایت هم امت‌سازی است. این تحول اجتماعی سومین دستاورد زیربنایی حضرت امام بود که در جامعه ما به وقوع پیوست و انقلاب اسلامی توانست حکومت را یعنی دولت اسلامی را تشکیل دهد.

## **(ب) دستاوردهای اساسی**

بخش دوم دستاوردهای اساسی است. منظور از دستاوردهای اساسی، اصول و خطوط اصلی حاکمیت دینی است که شالوده و قوام حکومت الهی به آن‌ها وابسته است.

### **ب/۱: جهان‌بینی و حیانی مبنای رهبری و قانون؛ اولین دستاورد**

اساسی انقلاب اسلامی ایران، این بود که جهان‌بینی توحیدی و الهی مبنای مدیریت و قانون شد و نظام تحکیم و تقنین در چارچوب اراده و تدبیر خداوند متعال شکل گرفت. پیرامون منشاء مشروعیت و شکل‌گیری مدیریت و رهبری دو نظریه رایج وجود دارد که در دنیا تجربه شده است. نظریه نخست این که مدیریت و رهبری و

قانون نشأت گرفته است از رأی مردم با نصاب اکثریت که در دنیای غرب، سیصد سال است که از زمان منتسکیو، روسو و هابز این بنا گذاشته شد که قانون و مدیریت براساس اصالت قدرت و رأی مردم شکل گرفت. مردم قدرت خود را واگذار می‌کنند به یک نفر، می‌گویند بر ما حکومت کن این مبنای قرارداد اجتماعی است. به صد نفر رأی می‌دهند که برای آنان قانون بنویسند این مبنای قرارداد اجتماعی است. اما اسلام می‌گوید نقش مردم تولید قدرت است نه تولید ولایت. ولایت از آن ذات باری تعالی است. یعنی آن کسی که خالقیت به دست او است، وقتی خالق خداست، شارع هم خداست. یعنی هم قانونگذار خداست و هم رهبر را تعیین می‌کند. مردم در فعلیت حاکمیت نقش دارند.

به عبارت دیگری ما یک بحث حاکم داریم، یک بحث حاکمیت حاکم با یک اراده تحقق پیدا می‌کند و آن اراده ذات باری تعالی است. وقتی می‌فرماید انا ارسلنا نوحا الی قومه، حاکم تحقق پیدا کرده است. وقتی مصداق را خطاب می‌فرماید حاکم تحقق پیدا می‌کند اما حاکمیت دینی دو تا اراده لازم دارد؛ اراده خدا برای وجود حاکم و دیگری اراده مردم که قدرت‌شان را در اختیار حاکم الهی قرار دهند. یعنی زمینه حاکمیت این حاکم را فراهم کنند.

یکی از دستاوردهای این انقلاب این بود که بعد از پانزده قرن یکبار دیگر قانون و مدیریت در قالب جهان‌بینی توحیدی قرار گرفت. یعنی رهبری در سلسله مراتب فرمانده کل هستی قرار گرفت. در زمان آیت‌الله بروجردی ۲۰ درصد احکام الله پیاده شد و آن احکام فردی و عبادی بود. هنر امام (ره) این بود که ۸۰ درصد احکام الله را بر عرصه جامعه آوردند.



## ب/۲: نقش مردم در تحقق حاکمیت دینی؛ دومین دستاورد اساسی

انقلاب، شکل‌گیری حکومت با اراده و رای مردم بود. به معنای مردم‌سالاری دینی و نه دین مردم‌سالار. دو اصطلاح وجود دارد؛ مردم‌سالاری دینی یا دین مردم‌سالار. بعضی از نظریاتی که از جانب برخی از روحانیون و یا سیاسیون مطرح می‌شود، مردم‌سالاری دینی نیست. دین مردم‌سالار است. مردم‌سالاری دینی، یعنی دین و شریعت مبنای حاکمیت است و مردم نمی‌توانند احکام‌الله را جابجا کنند. حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه.

دین، منشور حاکمیت است، اما مردم تحقق بخش حاکمیت هستند. در حالی که بعضی‌ها می‌گویند دین مردم‌سالار، دینی که متأثر از رای مردم بوده و با رای آنها بالا و پایین می‌شود که این خیلی خطرناک است. دموکراسی دینی یا دین دمکراتیک؛ همان حرفی که بازرگان می‌زد. این اصطلاحات به همدیگر نزدیک است باید مرزبندی شود که اینها بعضی از حرف‌هایی که آقایان می‌زنند دارای بار منفی است و ریشه در نگرش سکولاریستی دارد.

## ب/۳: احیای مکتب اسلام؛ دستاورد سوم اساسی، احیاء مکتب اسلام و

پوشش روابط چهارگانه انسان می‌باشد. انسان ۴ نوع رابطه دارد.

۱. رابطه فردی: یعنی رابطه با خودش؛

۲. رابطه با جامعه‌اش؛

۳. رابطه با طبیعت؛

۴. رابطه با ذات باری تعالی.

بحث این است که دین حداقلی است یا حداکثری. دین فقط رابطه انسان با خدا را پوشش می‌دهد یا همه روابط انسان را پوشش می‌دهد؟ با کمال تاسف از بعضی افراد سخنانی شنیده می‌شود که مفهوم آن این است که دین بخش کمی را پوشش می‌دهد، همان نگاه سکولاریستی که مارتین لوتر و آراسموس در قرن ۱۶ میلادی مطرح کردند و بعداً به عنوان ارمغان به جغرافیای جهان اسلام کشیده شد. در حالی که امام باقر(ع) می‌فرماید: دین ده جزء دارد که یک جزء آن عبادت است. پیامبر اعظم می‌فرماید: ما من شی یقربکم الی الجنه و یبعدکم من النار الا و قد امرتکم... یعنی چیزی نبود که شما را به بهشت نزدیک کند و از جهنم دور کند مگر اینکه شما را به آن امر کردم و هیچ چیز نبود که شما را به جهنم نزدیک کند و از بهشت دور کند مگر این که شما را نهی کردم، یعنی امر و نهی الهی صفر تا صد مردم را می‌پوشاند لذا جامعیت یکی از دستاوردهای حضرت امام است. جامعیت دین در برابر دین حداقلی، در برابر دین سکولار از دستاوردهای قطعی این انقلاب است.

#### **ب/۴: عقلانیت دینی؛ از دیگر دستاوردهای انقلاب حضرت امام(ره)**

عقلانیت دینی در برابر عقلانیت ابزاری و تحجری است. عقلانیت ابزاری، یعنی عقلانیت سودمحور، فایده‌محور، عقلانیت دنیا‌گرا و عقلانیت سکولار. این عقلانیت متأسفانه در طول این ۳۵ سال با فراز و نشیب در عرصه حاکمیت حضور داشته است. عقلانیت ابزاری می‌گوید اگر ما بخواهیم اقتصادمان فعال شود، اگر ما بخواهیم با دنیا روابطمان روان شود، باید جذب جامعه جهانی شویم. باید در قالب صندوق بین‌المللی پول حرکت کنیم. ما نمی‌توانیم با قواعد بین‌المللی تا ابد در ستیز باشیم. اما

عقلانیت دینی می‌گوید آن چیزی که تا به حال به دست آوردیم، در سایه مقابله و ایستادگی در برابر نظام سلطه بوده است. این دو نگاه در برابر هم، پیامدها و عوارض گوناگونی دارند که اگر بخواهیم ریشه چالش‌ها را جستجو کنیم به نظر می‌رسد یکی از مهمترین چالش‌ها، تقابل بین عقلانیت دینی و عقلانیت ابزاری است.

عقلانیت دینی، یعنی نگاه عقلی به دین، یعنی دوری از تحجر. همین شیوه‌ای که مروجین شیعه‌ی افراطی دارند دنبال می‌کنند، یعنی مقابله مستقیم و توهین مستقیم به مقدسات اهل سنت و یا عزاداری به شکل خشن و غیرمتعارف. امروز ما پرچم اهل بیت را در غزه بلند کردیم. پرچم اهل بیت را در یمن و در اکثر نقاط عالم بلند کردیم، نیاز نیست که این گونه از اهل بیت ترویج کنیم. به طور کلی ما با سه اسلام روبرو هستیم؛

۱. اسلام تکفیری عربستان

۲. اسلام سکولاریزه شدن ترکیه

۳. اسلام شیعی افراطی که از سوی بعضی مراجع ترویج می‌شود.

این دو رویکرد دارد: ۱- حمله مستقیم به مقدسات اهل سنت. که متأسفانه زمینه تحریک اهل سنت و تقابل با شیعه را فراهم می‌کند. بنابراین عقلانیت دینی، یعنی نگاه عقلی به دین، یعنی پرهیز از تحجر. نگاه دینی به عقل یعنی اگر اصولی عقل نتوانست بفهمد نباید انکار کرد. ما اصولی داریم که عقل نمی‌تواند آن اصول را خوب هضم بکند. بله دایره فهم عقل محدود است. زیرا می‌توان گفت ۱۵ درصد معارف ما از طریق حواس به دست می‌آید. یعنی حواس معرفت‌زاست و معتبر هم

هست. معرفتی که از طریق حواس بدست می‌آید رنگ، بو، مزه و غیره و ۴۰ درصد معرفت از طریق عقل بدست می‌آید. ۴۵ درصد معارف ما از طریق وحی باید بدست بیاید. عقل نمی‌تواند در این محدوده حرکت بکند. عقل می‌گوید من تا برزخ شما را می‌برم. از آنجا به بعد سوال نکنید، من نمی‌توانم بیشتر از این برای شما پاسخ دهم. عقل می‌گوید من اجمالا می‌فهم انسان عبث آفریده نشده، ولی هدف اصلی از خلقت را نمی‌توانم بگویم. تشخیص حلال و حرام به عهده من نیست. من نمی‌توانم بگویم چرا سگ نجس است. لذا غربی‌ها آن چرا که عقل‌شان می‌فهمد عمل می‌کنند و آن چیزی که وحی می‌گوید نمی‌فهمند و عمل نمی‌کنند، یعنی با سگ مانوس هستند می‌پرسند چه کسی می‌گوید سگ نجس است. چرا گوشت سگ بد است. برای غربی گوشت سگ با گوسفند فرقی نمی‌کند. چرا؟ برای اینکه دایره فهم عقل محدود است. بنابراین نگاه عقلانی به دین یعنی آنجا که عقل نمی‌تواند بسیاری از اصول اصلی مسلم را بفهمد انکار نشود. نگاه عقلی به دین یعنی تحجر را کنار بگذاریم و با منطق و استدلال مسائل را دنبال کنیم.

سومین دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو داخلی قابل ارزیابی است که عرصه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد. چهارمین محور دستاوردها، پیامدهای انقلاب در عرصه منطقه‌ای و جغرافیای جهان اسلام است که بسیار گسترده است. عرصه دیگر دستاوردها در قلمرو بین‌المللی و تاریخی است که در جای خود باید این سه قلمرو مورد بحث قرار گیرد.